

بخش چهارم شرح دعای مکارم الاخلاق

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی جابری‌زاده انصاری

۲. **وَ الْإِقْدَامَ عَلٰی الْخُسَّةِ**” (و اقدام به کار نیک):

«اقدام» یعنی جلو رفتن و آغاز کردن. این صفت به معنای شجاعت در انجام خوبی‌ها و عدم تردید در آن است.

«اقدام» از ریشه «ق د م» به معنای پیش‌قدم شدن با اراده و شجاعت در انجام کار است، در مقابل «إحجام» که بازایستادن و امتناع است. پیشوند «إ» در بابِ اِفعال به معنای ورود در عمل و شروع قاطعانه است. «خُسَّة» به معنای کار نیکو، چه در حوزهٔ اخلاق فردی (مثل صداقت) و چه در رفتار اجتماعی (مانند کمک به نیازمند)، و بسته به سیاق، شامل نیکی‌های ظاهری و باطنی می‌شود (راغب اصفهانی، ص ۲۳۱).

تحلیل روایی و اخلاقی:

امام سجاد(ع) در این دعا از خدا می‌خواهد توفیق

«آمدگی فوری و شجاعانه» برای نیکی را عطا کند.

این آمادگی دو بُعد دارد:

۱. سرعت در عمل خیر، قرآن کریم می‌فرماید: **فَاسْتَقْبُوا الْخَيْرَاتِ**» (بقره:۱۴۸)، یعنی در نیکی‌ها از یکدیگر سبقت بگیرید؛ این جمله هم مفهوم شتاب مثبت و هم انگیزه درونی را گوشزد می‌کند. روایت شده که پیامبر(ص) می‌فرمود: اگر برای انجام کار خیر ایده‌ای به ذهنت آمد، آن را به تأخیر مینداز، چرا که موانع نفس و شیطان در کمینند (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۴۲).

۲. شجاعت در میدان خیر، گاهی انجام کار نیک، به‌خصوص در دفاع از حق یا یاری مظلوم، نیازمند شهامت‌ها عبور از هراس‌های اجتماعی یا فشار جمعی است. ملا احمد نراقی در جامع السعادات، «اقدام» را ترکیب اراده، شجاعت، و رهایی از وسواس و تردید در تصمیم می‌داند (ج ۲، ص ۲۹۹).

نکات تربیتی:

• پیش‌قدمی در خیر عادت می‌خواهد؛ کوچک‌ترین تعاملات روزانه، مثل پیش‌دستی در سلام یا داوطلب شدن برای کار خیر، تمرین اجرای این دعاست.

• بلافاصله عمل کردن فرصتی برای نفس وسوسه‌گر باقی نمی‌گذارد که با «صبر کن» یا «الان وقتش نیست» شما را از نیکی باز دارد.

• انجام خیر حتی در خلوت باعث خلوص نیت و تقویت ارتباط با خدا می‌شود که اساس تربیت اخلاقی است (جوادی آملی، اخلاق در قرآن، ج ۴، ص ۱۱۶).

۳. **وَالْإِخْلَاقَ عَنِ السَّيِّئَةِ**” (و دوری از کار بد):

«احجام» یعنی عقب‌نشینی و دوری کردن. این صفت به معنای اجتناب و پرهیز کامل از گناهان و بدی‌هاست.

«إحجام» از ریشه «ح ج م» در اصل به معنای باز ایستادن، عقب‌نشینی کردن، یا فروپشتی خویش از انجام کاری است. در ادب اخلاقی، این واژه بیشتر در معنای «خودداری آگاهانه» کاربرد دارد.

«سَيِّئَةً» جمع آن «سِئَيات» است و به هر عمل زشت، ناپسند یا گناه شرعی و اخلاقی گفته می‌شود که اثر بد آن به خود یا دیگران سرایت کند (راغب اصفهانی، ص ۲۳۶).

تحلیل روایی و اخلاقی: این فراز از دعای مکارم‌الآخلاق نقطهٔ مقابل بند پیشین یعنی «الإقدام علی الحسنه» است؛ همان‌طور که باید در خیر پیش‌قدم بود، در بدی باید جرأت نه گفتن داشت و به‌موقع عقب نشست. ۱.

بازدارندگی درونی قرآن می‌فرماید: **وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ**» (مؤمنون: ۳) و **وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ**» (فرقان: ۷۲)؛ یعنی مؤمنان از بیهودگی و باطل فاصله می‌گیرند. این دستور، تصویر یک خودکنترلی آگاهانه است

۲. ترمز اخلاقی روایات تأکید می‌کنند که «کمالُ العقل فی ثلاث: التَّوَّاضُعُ لله، و الإحجام عن السيئة، و الإقبال علی الحسنه» (کافی، ج ۲، ص ۱۴۴)؛ یعنی قدرت عقلانی انسان در توان مدیریت مرزهای خیر و شر نمود پیدا می‌کند. ۳. هزینه‌سنجی پیش از اقدام ملا احمد نراقی در جامع‌السعادات، «إحجام» را نه یک سستی منفعلانه، بلکه تصمیمی آگاهانه می‌داند که بر ارزیابی پیامدها، و احترام به مرزهای الهی استوار است (ج ۲، ص ۴۰۲).

نکات تربیتی:

• خودداری هوشمندانه با فرار یکی نیست؛ در اینجا معنايش نه عقب‌نشینی ترسان، بلکه خودداری با اعتمادبه‌نفس است.

• تشخیص آغاز بدی مهم‌ترین ابزار کنترل است؛ بسیاری از بدی‌ها در مرحلهٔ نیت یا مقدمات قابل توقف‌اند.

• تمرین عملی آن: استفاده از «مکث» قبل از تصمیم و سنجش آن با معیار ارزش‌های الهی است (جوادی آملی، اخلاق در قرآن، ج ۴، ص ۱۴۹).

۴. **وَأَسْتِكْبَارَ خَسَنَاتِ الْفَیْرِ**” (و بسیار شمردن نیکی‌های دیگران):

این صفت به معنای ق‌دردانی و توجه به خوبی‌های دیگران است، حتی اگر کم باشد. این امر به روابط مثبت اجتماعی و دوری از بدبینی کمک می‌کند.

«استکبار» باب استغفال از ریشه «ك ث ر» به معنای طلب زیادت و بزرگ‌شمردن چیزی است. معنای دقیق آن در اینجا، «به حساب آوردن و ارزشمند دانستن چیزی به‌عنوان بسیار و زیاد» است، حتی اگر ظاهرًا کم باشد. «حسنات» جمع «حسنة» به معنای کار نیک، خیر و عمل پسندیده است، «الغیر» در ادبیات اخلاقی یعنی دیگران جز خود انسان، چه مؤمن باشد چه غیر آن.

تحلیل روایی و اخلاقی:

امام سجاد(ع) در این پخش از دعا، از خدا می‌خواهد که نگاهش به عمل نیک دیگران، نگاه بزرگ‌بینانه و قدرشناس باشد، نه تحقیرگر یا بی‌اعتنا. این نگاه سه پیام مهم دارد:

پرهیز از حسد و بخل معنوی

قرآن کریم با تعبیر **وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ**» (اعراف:۸۵) بپی می‌کند که ارزش کار یا مال دیگران را کم نشمارید. این دلالت عمومی، هم اموال و هم فضایل معنوی را دربر می‌گیرد. ایجاد انگیزه متقابل برای خیر

روایات تأکید می‌کنند که بزرگ دیدن نیکی دیگران، دل‌ها را به محبت واداشته و دیگران را به ادامهٔ خیر ترغیب می‌کند؛ پیامبر اکرم(ص) فرمود: **«مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ**» (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹۸)

تواضع معرفتی

ملا احمد نراقی این خُلق را از نشانه‌های تواضع و عدالت در قضاوت می‌داند؛ یعنی همان‌طور که برای خویش طلب قدر و ارزش می‌کنی، برای دیگران نیز آن را بپذیری (جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۹۶)

نکات تربیتی:

بزرگ شمردن نکات مثبت دیگران سپری در برابر عادت منفی‌نگری و بدبینی است. دیدن نور در چراغ کوچک تمرینی است برای شکر عملی؛ اگر خدا را در نیکی کوچک تشکر کنیم، ظرفیت دیدن و انجام خیر بزرگ را پیدا می‌کنیم. این نگاه موجب تعدیل رقابت و تقویت محیط هم‌سود در جامعهٔ ایمانی می‌شود (جوادی آملی، اخلاق در قرآن، ج ۵، ص ۱۲۳). ۵. **وَأَسْتَغْفَلَ سَيِّئَاتِ نَفْسِي**” (و کم شمردن بدی‌های خویش): «استغفال» به معنای کم شمردن. این صفت به معنای فروتنی، عدم خودپسندی و اقرار به قصورات خویش است. انسان مؤمن همواره نگران گناهان خود است و حتی گناهان کوچک خود را بزرگ می‌شمارد تا از آن غافل نشود. این به معنی کوچک دیدن گناهان نیست بلکه به معنی عدم خود بزرگ بینی است. شرح و توضیح تفصیلی: برای درک بهتر این عبارت، ابتدا باید آن را در کنار عبارت قبلی‌اش، یعنی **”وَأَسْتَغْبَارَ خَسَنَاتِ الْفَیْرِ”** (بسیار شمردن نیکی‌های دیگران) و **”وَأَسْتَغْلَالَ الْخَيْرَ وَ إِنِ كَثُرَ مِنْ فَعْلِي”** (کم شمردن خیر، هرچند که از جانب من بسیار باشد) بررسی کنیم. این سه عبارت، در کنار هم یک تصویر کامل از تواضع، فروتنی، مراقبه‌ی نفس، و دراندیشی اخلاقی را ترسیم می‌کنند. معنای ظاهری و رایج: در نگاه اول، این جمله ممکن است به معنای **”کوچک شمردن گناهان و بدی‌های خود”** برداشت شود، که اگر اینگونه باشد، امری مذموم و خطرناک است، چرا که در روایات به شدت از کوچک شمردن گناه نهی شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: **”لاَ تَنْتَظِرْ إِلَى صَغَرِ الذَّنْبِ، وَ انْظِرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ”** (به کوچکی گناه نگاه مکن، بلکه به بزرگی کسی که نافرمانی‌اش را کرده‌ای بنگر). (کافی، ج ۲، ص ۲۷۰) پس مراد امام (ع) چیست؟ «استغفال» به معنای کم شمردن است، اما در اینجا منظور از کم شمردن “بدی‌های خود” نیست که آن‌ها را ناچیز بدنام و به آن‌ها اهمیت ندهم، بلکه معنای عمیق‌تری دارد که به چند بُعد قابل تقسیم است: ۱. عدم خودبزرگ‌بینی و خودبرتربندی در قبال خطاها: این عبارت در مقابل **”عُجْب”** (خودپسندی و “غرور” قرار می‌گیرد. انسان عجب‌زده یا مغرور، همیشه خطاهای خود را کوچک می‌بیند، توجیه می‌کند، یا اصلاً به حساب نمی‌آورد. اما مؤمن واقعی، حتی اگر خطای کوچکی از او سر بزند، آن را بزرگ می‌شمارد و اهمیت می‌دهد. پس “استقلال سیئات نفسی” به معنای آن است که:۵- من نباید از گناهانم (هر چند کوچک باشند) راضی و خشنود باشم. نباید آن‌ها را توجیه کنم و تقصیر را به گردن دیگران یا شرایط بیندازم. نباید فکر کنم که “این که چیزی نیست” یا “من در مجموع خوب و این خطا در برابر کارهای خوبم ناچیز است.”

در واقع، امام (ع) از خداوند می‌خواهند که در این دام نیفتند و همواره خود را در معرض خطا و اشتباه ببینند و توانایی کوچک‌ترین خطاهای خود را نیز جدی بگیرند و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت نباشند. این دیدگاه، انسان را همواره در مسیر توبه، استغفار و مراقبه نگه می‌دارد.

۲. عدم تکبر و اصرار بر خطا در مواجهه با دیگران: وقتی انسان خطایی می‌کند، نفس اماره او را وادار می‌کند که بر آن خطا پافشاری کند، یا آن را کوچک بشمارد تا شخصیتش در برابر دیگران خدشه‌دار نشود. «استقلال سیئات نفسی” در اینجا به معنای توانایی پذیرش اشتباهات خود (هرچند کوچک) بدون تکبر و اصرار بر باطل است. یعنی اگر کسی خطای مرا متذکر شد، آن را بپذیرم و در مقابل آن گارد نگیرم.

این صفت به انسان کمک می‌کند تا در مسیر اصلاح و رشد قرار بگیرد، چرا که اولین گام برای اصلاح، اعتراف به وجود خطا و عدم توجیه آن است.

۳. ترس از عواقب گناه، حتی گناه کوچک:

انسان باید از عواقب گناهان، حتی گناهان کوچک، بینناک باشد. گاهی یک گناه کوچک، می‌تواند دریچه‌ای به سوی گناهان بزرگتر باشد.

همچنین، تأثیر یک گناه کوچک بر قلب و روح انسان، اگر به آن بی‌توجهی شود، می‌تواند به تدریج اثرات تخریبی بزرگی داشته باشد. مانند قطرات باران که به تپهایی کوچک هستند، اما وقتی ادامه یابند، می‌توانند سنگی را سوراخ کنند.

پس «استقلال سیئات نفسی” به معنای نگاه جدی به هرگونه خطا، حتی کوچک‌ترین آن‌ها، و دوری از سهل‌انگاری در مواجهه با آن است.

۴. اوج تواضع و بندگی:

این صفت، اوج تواضع و بندگی را نشان می‌دهد. بنده‌ی واقعی، همیشه خود را در برابر پروردگارش مقصر و خطاکار می‌بیند، حتی اگر در ظاهر اعمال نیکی انجام داده باشد. این احساس تقصیر، ناشی از درک عظمت خداوند و کوچکی خود در برابر اوست.

پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) که خود بزرگ‌ترین عبادالله بودند، همواره بیشترین استغفار را داشتند. این به معنای گناهکار بودن آنها نیست، بلکه به معنای درک عمیق‌تر مقام ربوبیت و بندگی و احساس قصور در برابر آن عظمت است.

”وَأَسْتَغْلَلَ سَيِّئَاتِ نَفْسِي” به این معنی نیست که گناهانم را ناچیز بشمارم و به آن‌ها اهمیت ندهم، بلکه به این معناست که: • در مقابل خطاهایم، هرچند کوچک، متواضع و فروتن باشم. • آن‌ها را توجیه نکنم و هرگز

معارف اسلامی

از ارتکاب آن‌ها (حتی کوچکترینشان) راضی نباشم. • همواره احساس تقصیر و نیاز به توبه و استغفار داشته باشم. • نسبت به خطاهایم بیدار باشم و از آن‌ها غافل نشوم، چرا که غفلت از گناه کوچک، می‌تواند منجر به ارتکاب گناهان بزرگتر شود. • در قبال دیگران، بر خطاهایم پافشاری نکنم و با تکبر آن را نپذیرم.

این عبارت، یکی از نشانه‌های سلامت نفس، بیداری وجدان و آمادگی برای کمال است که انسان را همواره در مسیر خودسازی و دوری از غرور و خودپسندی نگه می‌دارد.

۶. **”وَأِكْمَالَ مَا يَلْزُمُنِي بِهِ مَنَّةٌ لَّكَ”** (و کامل کردن آنچه به خاطر تو بر من لازم است):

یعنی انجام کامل و بی‌نقص وظایف و تکالیفی که خداوند بر عهده انسان گذاشته است. **”مَنَّةٌ لَّكَ”** به معنای منت و لطف خداوند است که انسان را در انجام این تکالیف یاری می‌کند.

معنای لغوی

«و کامل ساختن وظیفه‌ای که به سبب مَنّت تو بر من واجب شده است»

معنای مفهومی

در این عبارت، بنده به خدا عرض می‌کند:

تو به من نعمتی عطا کرده‌ای (مثل زندگی، عقل، ایمان، سلامتی، یا فرصت بندگی).

همین نعمت، مسئولیتی بر دوش من گذاشته است (مثلاً شکرگزاری، انجام عبادات، خدمت به خلق.

من از تو می‌خواهم توفیق ده‌م تا این مسئولیت را به کمال انجام دهم، چون خودم به تنهایی قادر به کامل کردن آن نیستم.

ارتباط با آیات قرآن

قرآن بارها تأکید کرده که هر نعمتی، مسئولیتی در پی دارد:

الْزُّحَرْف، ۱۳-۱۴ **لَتَسْتَوُوا عَلٰی ظُهُورِهِمْ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ... وَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا...**

نعمت، باید با یاد خدا و تسبیح او همراه شود. (ابراهیم، ۷) **لَتُنْكُرَنَّ لَهُمْ تِلْكَ النِّعَمَ**، اگر نعمت را شکر کنید،

خدا آن را افزون می‌کند. شکر یکی از همان «وظایف لازم‌شده» است.

التحل، ۸۳ **يَقْرَءُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ تَمُّ يَنْكُرُونَهَا**

کسانی هستند که نعمت را می‌شناسند ولی وظیفه‌اش را ادا نمی‌کنند؛ این همان «کمال وظیفه» را به جا نیاوردن است.

روایات مرتبط

امام صادق(ع) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُعْظِمُ عَلٰی عَبْدٍ نِعْمَةً، إِلَّا جَعَلَ عَلَيْهِ شُكْرًا، وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ الشُّكْرَ إِلَّا بِالطَّاعَةِ»

خداوند نعمتی به بنده نمی‌دهد، مگر آن که شکر آن را بر او واجب می‌کند، و شکر جز با اطاعت پذیرفته نیست، (کافی، ج ۲، ص ۹)

امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه:

حَقَّ إِلَهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يَنْضَحُوا لَهُ فِي الْمَشْوَرَةِ، وَأَنْ يُؤْذُوا لَهُ شُكْرَ النِّعْمَةِ.

(حق خدا بر بندگان این است که خبرخواهانه مطیع او باشند و شکر نعمتش را به جا آورند)

برداشت معنوی

عبارت می‌خواهد بگوید:

خدایا! همان‌طور که نعمت را دادی، مرا در ادای حقت یاری کن.

اصل توانایی من برای انجام مسئولیت، خودش یکی از همان نعمت‌هاست که از تو سرچشمه می‌گیرد. حتی احساس وظیفه هم هدیه‌ای از توست؛ پس کامل شدنش هم به یاری توست.

در زبان ساده: (خدایا، تو هم نعمت را دادی، هم وظیفه‌اش را بر من گذاشتی، و حالا می‌خواهم تو کمک کنی تا این وظیفه را بی کم‌وکاست انجام دهم و کامل کنم.»

۷. **”وَأِتِّمَامًا مَا أَبَدْتُ بِهِ”** (و به اتمام رساندن آنچه آغاز کردم):

این صفت به معنای عزم راسخ، پشتکار و وفای به عهد در انجام کارهاست. انسان مؤمن کاری را نیمه‌کاره رها نمی‌کند.

تحلیل لغوی و نحوی • **إِكْمَالٌ**: مصدر باب اِفعال، به معنای رساندن چیزی به مرتبه تمام و بی‌نقص. تفاوتش با «إِتِّمَام» در این است که اِتِّمَام پایان بخشیدن به کاری است ولو کامل نباشد، ولی اِکمال رساندن به بهترین و کامل‌ترین حالت است. • ما يَلْزُمُنِي: اشاره به مسئولیت الزامی، نه صرف یک کار مستحب. این لزوم یا عقلی

است (مثلاًشکر منعم) یا شرعی (واجبات). • بِهٖ: به:

بازگشت ضمیر به «مَا يَلْزُمُنِي» یعنی همان وظیفه.

• **مَنَّةٌ لَّكَ**: «مَنَّةٌ» در لغت، هم به معنای نعمت عظیم و هم به معنای بخشش بدون عوض است. عبارت «منة لك»

یعنی «بخشش و نعمتی که از تو سرچشمه گرفته» و نه به دست من یا دیگران.

ترجمه دقیق پژوهشی:

«و کامل کردن وظیفه‌ای که به سبب نعمتی از جانب تو بر من واجب شده است»

۳. ارتباط معنایی در دعا

امام سجاد(ع) در این بخش، رابطه سه‌گانه‌ای را ترسیم می‌کند: ۱. نعمت الهی مثل ایمان، عقل، سلامتی، توان عبادت.

۲. لزوم شکر و وظیفه هر نعمتی حقی را به عهده انسان می‌گذارد.

۳. طلب اکمال بنده می‌داند که بدون کمک خدا، حتی حق نعمت را به طور کامل نمی‌تواند ادا کند.

پس، «منة لك» علت تکلیف است، و «إکمال» درخواست برای موفقیت در انجام آن تکلیف.

۴. پشتوانه قرآنی

قرآن این رابطه را بسیار تصریح کرده:

آیه ۱۴ سوره لقمان

أَنْ أَشْكُرَ لَوْ وَدِدِلْكَ

شکرگزاری نتیجه دریافت نعمت است، و تکلیف شکر

جهان‌اخبار

روزنامه فرهنگی اجتماعی



الْعَارِفُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَاعْتَقَهَا مِنْ كُلِّ مَا يُبْعِدُهُ عَنْ اللَّهِ عارف کسی است که خود را بشناسد و از هر چه او را از خدا دور کند، آزاد سازد.

۶. برداشت عرفانی و اخلاقی

عبارت **«تَوَفَّرَ خِصَالُ الْعَارِفَةِ»** مؤید این است که امام سجاد(ع) به دنبال «حدِ اعلای ایمان آگاهانه» است، نه صرفاً انجام وظایف شرعی.

اهل معرفت ویژگی‌هایی دارند که باید به نحو کامل و فراوان در انسان محقق شود، مثل:

- دوام ذکر
- محبت به خدا بیش از همه چیز
- رضا به قضای الهی
- تواضع نسبت به بندگان خدا
- انصاف و گذشت

عبارت «فیما قَبِلَی» نقش مهمی دارد؛ یعنی این صفات باید مشخص‌ در قلمرو مسئولیت‌های من آشکار شود. معرفت اگر عملی نشود، ناقص است.

۷. جمع‌بندی پژوهشی

در بافت دعای بیستم، این جمله دو بعد مهم دارد:

۱. بعد الهی: درخواست کمال صفات عارفانه در ارتباط با خدا.

۲. بعد اجتماعی: بروز همان صفات در روابط انسانی و اجتماعی.

به‌تعبیر دیگر، این فراز پلی است بین «معرفت قلبی» و «عمل صالح جاری»، و امام سجاد(ع) با آن درس می‌دهد که معرفت حقیقی تنها وقتی کامل است که اثر عینی آن در حیات فرد و جامعه دیده شود.

۹. **”وَبَذَلَ الطَّوْلَ لِمَنْ سَأَلَنِي”** (و بخشیدن بزرگواری به کسی که از من درخواست کند):

”بذل الطول” یعنی بذل و بخشش و احسان. ”طول” به معنای وسعت و توانایی و بزرگواری است. این صفت به معنای سخاوت، گشاده‌دستی و کمک به نیازمندان است.

بخش از دعا، امام سجاد(ع) پس از درخواست کمال صفات عارفانه (فراز پیشین)، به حوزه عمل اجتماعی و کرامت رفتاری می‌رسد.

هدف، پرورش انسانی است که نه فقط دروناً مؤمن و عارف است، بلکه در تعامل با مردم، سخاوتمند و بخشنده باشد.

عبارت کامل در متن:

”... وَ بَذَلَ الطَّوْلَ لِمَنْ سَأَلَنِي...”

تحلیل لغوی

- بَذَلَ: از ریشه «ب ذ ل»، به معنای بخشیدن و تقدیم کردن با میل و رغبت، نه از روی اکراه.
- الطَّوْلَ: در لغت عرب دو معنا دارد:

۱. توانمندی و استطاعت مالی؛

۲. نعمت و بخشش گسترده.

این‌جا معنای دوم و اول، هر دو قابل جمعند؛ یعنی هر

آنچه از امکانات، ثروت، یا توان دارم.

- لِمَنْ سَأَلَنِي: برای کسی که از من درخواست کند (خواه درخواست مالی باشد یا هر نوع یاری).

ترجمه دقیق

«و بخشش توانایی و دارایی‌ام به کسی که از من درخواست کند».

۳. معنای مفهومی

امام(ع) از خدا می‌خواهد توفیق دهد:

۱. هرکس نیازمند باشد و چیزی طلب کند، بی‌دریغ دریابد.

۲. بذل، از جنس کرم باشد نه از سر منت یا تحقیر.

۳. معیار، سطح توانایی (طول) است؛ یعنی بخشش طبق استطاعت، ولی با سخاوت.

۴. پشتوانه قرآنی

چند آیه طلایی با این فراز مطابقت دارند:

سوره اسراء، آیه ۲۶–۲۷ **وَلَا تَقْرَبُوا حَقَّهُ وَالْمُسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ...** به خویشاوند، نیازمند و در راه‌مانده

حقشان را بده. سوره ضحی، آیه ۱۰ **وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ** و اما کسی که درخواست کند، او را مران. سوره

نور، آیه ۲۲ **وَلْيُعْطُوا وَلِيَفْضَحُوا** لَا تَحْبِرْنَ أَلَّا يُعْطِرَ اللَّهُ لَكُمْ إِنْ يَهِ در سیاق بخشش مالی و گذشت به برابر نیازمندانی است که حتی ممکن است لغزشی داشته باشند.

۵. روایات مرتبط •پیامبر اکرم(ص): لا تَرُدَّ سَائِلًا چیزی چون سمّ سوخته شتر بدهی. (کافی، ج ۴، ص ۱۴)

•امام علی(ع): إِذَا سَأَلَكَ السَّائِلُ فَقَدْ جَعَلَ لَكَ سَبِيلًا

إِلَى الْجَنَّةِ وقتی نیازمندی از تو چیزی می‌خواهد، در واقع راهی به سوی بهشت پیش رویت گذاشته است.

۶. برداشت اخلاقی-عرفانی این فراز سه اصل مهم را یادآوری می‌کند: ۱. بخشش همراه با کرامت: بذل الطول

یعنی نه صرفاً دادن، بلکه دادن از سر توان و دل. ۲. عدم تحقیر نیازمند: ادبیات دعای مکارم الاخلاق کاملاً با روح

«فَلَا تَنْهَرْ» در قرآن هماهنگ است. ۳. درک فرصت

الهی: سؤال نیازمند، آزمایش ایمان و سخاوت مؤمن است، نه مزاحمت. از نگاه عارفانه، نیازمند حقیقی در واقع دست خداست که در لباس خلق آمده تا دریایی

بخشش بنده را بیازماید. ۷. جمع‌بندی پژوهشی

این جمله امتداد طبیعی صفات عارفانه است:

پس از معرفت، نوبت به خدمت می‌رسد.

ایمان درونی باید خودش را در سخاوت بیرونی نشان

دهد.

«بذل الطول» پلی است بین توانایی فرد و رفع نیاز

جامعه.